



**کشف ۲۴۰ کیلوگرم شیشه در مهریز**  
دادستان عمومی و انقلاب شهرستان مهریز استان یزد از کشف ۲۴۰ کیلوگرم مواد مخدر از نوع شیشه مایع در این شهرستان خبر داد. محمد حسین دهقان گفت: با تلاش مأموران پاسگاه شهید مدنی مهریز یک محموله مواد مخدر از یک دستگاه خودروی سنگین عبوری کشف و یک متهم دستگیر شد.

## رویداد

### حمله سگ‌های ولگرد به دانش آموز یاسوجی



صبح شنبه پسر دانش آموزی در یکی از مناطق شهر یاسوج مورد حمله سگ‌های ولگرد قرار گرفت. به گزارش همشهری، در شرایطی که مرد شهر یاسوج در حضور سگ‌های ولگرد احساس ناامنی می‌کنند صبح شنبه حدود حوالی ساعت ۷ صبح سگ‌های ولگرد به پسر دانش آموزی در منطقه ترمینال قدیم یاسوج در راه مدرسه بود، حمله کردند و بر اثر این حمله جراحت شدیدی به این پسر پیچه وارد شد.

محمد قبادی، پسر این دانش آموز در این خصوص گفت: ساعت حوالی ۷ صبح ۱۱۲ یابان ماه ۱۴۰۳ در حالی که پسر دانش آموزم که ۱۴ سال سن دارم، در حال رفتن به مدرسه در منطقه ترمینال قدیم یاسوج بود مورد حمله سگ‌های ولگرد قرار گرفت که منجر به مجروح شدن فرزندم شد. فرزندم دانش آموز اول متوسطه مدرسه عارف منطقه ترمینال قدیم شهر یاسوج است که هنگام رفتن به مدرسه مورد حمله ۲ سگ ولگرد قرار گرفت تا اینکه یک خانم که در حال جمع‌آوری ضایعات بود نجاتش داد. پسرم از بس درد داشت نتوانست دیگر به مدرسه برود، چرا باید داخل شهر اینقدر سگ ولگرد شایه‌روز موجب ترس و اذیت مردم باشند. باید حتماً یکی کشته شود تا به فکر بچینند؟ گله‌ای از سگ‌های ولگرد رویه‌روی مسکن مهر ترمینال قدیم شایه‌روز پرسه می‌زنند. قبادی اظهار کرد: از مسئولان و متولیان امر استان و شهر یاسوج درخواست داریم که تا دیر نشده به مسئله سگ‌های ولگرد ورود کرده و این مسئله را برطرف کنند، چراکه سگ‌های ولگرد جان مردم به‌خصوص دانش‌آموزان و بانوان را تهدید می‌کنند.

## ۷ قربانی در تصادف رخ‌به‌رخ پژو‌ها



تصادف رخ‌به‌رخ ۲ خودروی پژو در زنجان حادثه تلخی را رقم زد و ۷ قربانی گرفت. به گزارش همشهری، این حادثه صبح روز شنبه در ۲۳ کیلومتر ۲۳ محور قیدار به ابهر رخ داد و در جریان آن بر اثر برخورد رخ‌به‌رخ ۲ دستگاه سواری پژو ۴۰۵، ۷ سرنشین ۲ خودرو جان خود را از دست دادند. سررنگ مهدی میناخانی، رئیس اداره کنترل و نظارت بر عملیات جاده‌ای پلیس راه استان زنجان در توضیح این حادثه گفت: انحراف به چپ یکی از خودروها دلیل بروز این حادثه تلخ گزارش شده است. میناخانی با اشاره به مشکلات متعدد موجود در محور قیدار به ابهر گفت: پلیس راه بارها پیگیر موضوع بوده و عملیات تعریض این مسیر نیز آغاز شده ولی کارها پیشرفت کندی داشته و بارها شاهد این بوده‌ایم که تصادفات بسیار سختی در این محور رخ داده و هموطنان جان خود را از دست داده‌اند.

## مرگ مشکوک زوج سالخورده در استخر برج مسکونی

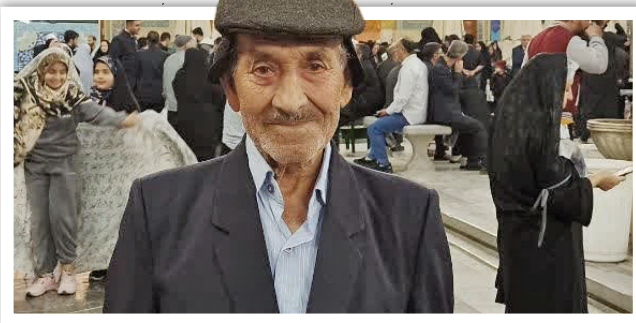
مرگ اسرار آمیز زوج سالخورده در استخر برج مسکونی، تیم جنایی را با یک معمای پیچیده مواجه کرده است. به‌گزارش همشهری، بامداد جمعه یازدهم آبان امسال به قاضی سالار صنعتگر، بازپرس ویژه قتل تهران خبر رسید که زن و شوهری در استخر خانه‌شان جان باخته‌اند و مرگشان مشکوک به‌نظر می‌رسد. پس از اعلام این گزارش، تیم جنایی در محل حادثه که برج مجلی در شمال پایتخت بود، حضور یافت. بررسی‌ها نشان می‌داد که زوج سالخورده در طبقه سوم برج مسکونی زندگی می‌کردند و فرزندانشان نیز در خارج از کشور هستند. آنها ساعت ۷ بعدازظهر، کلید استخر ساختمان را از نگهبان گرفته و به آنجا رفتند. معمولاً تا قبل از ساعت ۹ شب، استخر را باید ترک کنند اما آن شب نگهبان برج وقتی دید خبری از زوج سالخورده نیست، وارد محوطه استخر برج شد و پیگیری‌ها نشان داد که زوج وحشت‌زده به پلیس اورژانس زنگ زد. اجساد قربانیان از آب بیرون کشیده و تحویل پزشکی قانونی شد تا علت اصلی مرگ آنها مشخص شود. آطور که پزشکی قانونی اعلام کرده، حدود ۲ ساعتی از مرگ آنها می‌گذشته. تحقیقات تیم جنایی برای رازگشایی از مرگ این زن و شوهر آغاز شده است.



**آزادی ۷۳ زندانی جرائم غیرعمد در هرمزگان**  
رئیس کل دادگستری هرمزگان از آزادی ۷۳ نفر از زندانیان جرائم غیرعمد از ابتدای امسال در این استان خبر داد. مجتبی قهرمانی گفت: از این تعداد ۴۳ نفر به‌دلیل محکومیت مهریه و نطقه، ۲۸ نفر به‌دلیل بدهی مالی، یک نفر به‌دلیل ایراد صدمه بدنی و قتل غیرعمدی و یک نفر به‌دلیل حوادث کارگاهی در زندان بودند.

## مرد ۸۵ ساله که در کوه مصدوم شده بود بعد از ۲ شبانه‌روز تلاش، از مرگ نجات پیدا کرد

# ۴۸ ساعت جدال با مرگ



### گزارش فتنه احدی روزنامه‌نگار

«دیگر امیدي به اینکے مرا پیدا کنند، نداشتم و به همین خاطر رو به قبله دراز کشیدم و منتظر سرنوشتم ماندم، اما در عین ناامیدی امدادگران مرا پیدا کردند.» اینها را مرد ۸۵ ساله‌ای می‌گوید که ۴۸ ساعت را بدون آب و غذا یا با ۴۸ ساعت جست‌وجو برای یافتن پیر مرد طبعی که در ارتفاعات اطراف روستای بی‌استان طبعی گم شده بود، با پیدا شدن او پایان خوشی داشت. پیرمرد در تمام مدتی که گروه‌های امداد و نجات به‌دنبالش می‌گشتند، در پایین تپه‌ای با پای شکسته، چشم‌انتظار کمک بود. به گزارش همشهری، صبح سه‌شنبه یکم آبان ماه خبر گم شدن فیض‌الله نعمتی، مرد ۸۵ ساله‌ای از ارتفاعات اطراف روستای بی‌استان طبعی در روستا پیچید، جست‌وجوی اهالی روستا برای یافتن پیرمرد گمشده آغاز شد. وقتی جست‌وجوی نیروهای مردمی نتیجه نداد، پاسگاه انتظامی حلوان در طبعی متوجه گم شدن پیرمرد شد و بعد از آن نیز تیم‌های امدادی هلال‌احمر طبعی جست‌وجوی خود را آغاز کردند که در نهایت جست‌وجوگران موفق شدند او را بعد از ۴۸ ساعت در روز پنجشنبه زنده پیدا کنند.

### مرد ۸۵ ساله چطور گم شد؟

پسر مرد سالخورده ماجرای گم شدن پدرش را در گفت‌وگو با همشهری اینطور بازگو می‌کند: پسر و مادرم در طبعی زندگی می‌کنند، اما چون در روستای «بی‌استان» زمین کشاورزی دارند، پدرم

به روستا رفت و آمد می‌کند. این روستا در ۱۲۰ کیلومتری طبعی قرار دارد و وقتی به روستا می‌رود، یک هفته تا ۱۰ روز در آنجا می‌ماند و دوباره بازمی‌گردد. او ادامه می‌دهد: صبح سه‌شنبه یک آبان، او بدون اطلاع ما، برای چیدن گیاهان کوهی به روستا رفت. او به مادرم گفته بود که شب برمی‌گردد. او ادامه می‌دهد: وقتی شب شد از پدرم خبری نشد. مادرم این موضوع را به ما اطلاع داد و گفت که گوشی موبایل پدرم

خاموش است. با شنیدن این جمله نگران شدم و بلافاصله با یکی از اهالی روستا تماس گرفتم. از او خواستم تا به خانه پدرم برود و از او سراسری بگیرد، اما او گفت که پدرم در خانه نیست. بدین ترتیب چند نفر از اهالی را در جریان قرار دادیم تا اطراف روستا را بگردند و او را پیدا کنند، اما آنها هر چه گشتند، پدرم را نیافتند. گروهی از اهالی اطراف روستا را و جب به او اطلاع داد و گفت که گوشی موبایل پدرم

### از بلندی سقوط کردم و پام شکست

فیض‌الله نعمتی که حدود ۴۸ ساعت در ارتفاعات گم شده بود، می‌گوید: برای چیدن گیاهان دارویی به ارتفاعات اطراف روستا رفتم. بعد از تمام شدن کارم، مسیر برگشت را در پیش گرفتم، اما وقتی هوا تاریک شد، بدون اینکه متوجه شوم، از مسیر اصلی منحرف شدم. در تاریکی شب پیش می‌رفتم که ناگهان از بلندی‌ای سقوط کردم. او می‌گوید: بدنم را تکان دادم و تا ناحیه پا احساس درد کردم. متوجه شدم پام شکسته است. با دستمالی که داشتم پام را بستم. به سرم دست زدم دیدم که خونریزی کرده است؛ چون آب و غذا نداشتم در همان حالت ماندم که انرژی زیادی از من هدر نرود. چند باری اسم پسر کوچکم عباس را صدا زدم. وی می‌گوید: دور صدای اهالی را که به‌دنبالم می‌گشتند، شنیدم. اما منی برای فریاد زدن نداشتم، صدایم هم ضعیف بود و آنها صدایم را نمی‌شنیدند. پس منتظر ماندم تا شاید مرا پیدا کنند. بعد از ۲ روز دیگر ناامید شدم و رو به قبله خوابیدم. در این هنگام بود که افرادی را بالای سرم دیدم. آنها امدادگران بودند که مرا نجات دادند.

## بازی در نقش پلیس برای گروه‌گنجبری و سرقت‌های سریالی

بوده‌است. در گام بعدی تصاویر متهمان به‌دست آمد و مشخص شد که آنها از مجرمان سابقه‌دار هستند که بارها به جرم سرقت دستگیر و زندانی شده‌اند. اگر چه هویت متهمان مشخص بود، اما بررسی‌ها نشان می‌داد که سارقان اهل پایتخت نیستند و معمولاً صبح‌ها برای سرقت راهی تهران می‌شوند و پس از اجرای نقشه سرقت‌هایشان، شبانه از تهران می‌روند و محل مشخصی ندارند. هر چه تحقیقات ادامه می‌یافت، تعداد شاکیان این پرونده نیز بیشتر می‌شد.

اعضای بانک پند مخوف، لباس پلیس به تن می‌کردند تا در نقش مأمور، طعمه‌هایشان را گروه‌گنجبری و سرقت خود را عملی کنند. آنها تلاش می‌کردند تا ردی از خود به جا نگذارند تا اینکه چند روز پیش پسر کرده گروه در مراسم جشن تولد و هنگام خاطره‌گویی اسرار گروه‌گنجبری و سرقت‌های سریالی‌شان افشا کرد. به گزارش همشهری، چندماه قبل زوج جوانی وقتی مقابل خانه شان رسیدند، با ۳ مرد جوان مواجه شدند که لباس پلیس به تن داشتند. آنها مدعی بودند که مأموران پلیس آگاهی هستند و به آنها گزارش شده که با سارقان همکاری دارند.

**گروه‌گنجبری**  
مردان تپه‌کار به قدری نقش پلیس را خوب بازی کردند که زوج جوان کوچک‌ترین شکبی به آنها نکرده‌بود و به گمان اینکه مأمور هستند برای اثبات بی‌گناهی‌شان، اجازه ورود به آنها را دادند. مردان پلیس نما اما پس از ورود به خانه، اسلحه‌ای به سمت زوج جوان نیتانه گرفتند و با تهدید پول و طلاهایشان را سرقت کردند.

### مجرمان سابقه‌دار

پس از ورود پلیس به ماجرای این سرقت، تحقیقات آغاز و مشخص شد که خودروی پژوی مأمورنماها، سرقتی

### دفترچه اسرار آمیز سارقان مخوف

شاهین سرکرده باند فکرس را نمی‌کرد که خاطره‌گویی در جشن تولد کار دستش بدهد و موجب دستگیری اعضای باند شود. گفت‌وگو با وی بخوانید.

### چند وقت است که باند سرقت و گروه‌گنجبری تشکیل داده‌اید؟

از او اواخر پارسل.  
**در این مدت، چند مورد سرقت انجام داده‌اید؟**  
تعدادش را نمی‌دانم؛ چون من حافظه درستی ندارم، اما خوب دفترچه‌های دارم که در آن گزارش سرقت‌ها را یادداشت می‌کنم. تمام حساب و کتاب داخل همان دفترچه است که پلیس در با توقمان کشف کرد و به این ترتیب مو به مو، اسرار همه سرقت‌ها فاش شد.

### از جزئیات نقشه‌های که کشیدید، بگو؟

پس از آزادی، تمام تجهیزات پلیس را خریدیم. این‌بار حتی به محله‌های شمالی پایتخت هم رفتیم و به جای آن به مناطق جنوبی تهران رفتیم. می‌دانید چرا؟  
چون سارقان بیشتر به خانه‌های شمال پایتخت برای سرقت می‌روند و ساکنان جنوب شهر، کمتر موارد امنیتی را رعایت می‌کنند. در هر محل بعد اسلحه‌هایی از اسباب‌بازی فروشی می‌خریدیم و سراغ افرادی می‌رفتیم که فکر می‌کردیم از نظر مالی بهتر هستند. به آنها می‌گفتمم گزارش شده که اموال مسروقه یا مواد مخدر در خانه‌هایشان نگیه می‌دارند. نقش مأمور آگاهی یا پلیس مواد مخدر را بازی می‌کردیم. و با نشان دادن برگ جعلی حکم بازرسی، وارد خانه‌های آنها می‌شدیم. سپس در خانه خودشان، گروه‌گانشان می‌گرفتم و با تهدید اسلحه از آنها می‌خواستیم جوی پول و طلاها و رمز گاوصندوقشان را بگویند؟

### فقط در پایتخت سرقت‌ها بیان را انجام می‌دادید؟

نه. در استان البرز هم با همین شیوه سرقت می‌کردیم. ماشین‌ها را هم در خیابان سرقت می‌کردیم. یکی از بچه‌های گروه، تخصص سرقت پژو و پراید است که وظیفه سرقت ماشین‌ها با او بود.

## داخلی

### مرد جوان بعد از نجات جان ۳ نفر از روی ریل قطار، خودش جان باخت

## کارگر فداکار



«پژو پرشیا درست روی ریل قطار واژگون شد و ۳ نفر داخلش گرفتار شدند. همان لحظه صدای سوت قطار هم شنیده شد این شرایط مرد جوان که شاهد این صحنه بود خودش را در هر لحظه به پرشیا و سرنشینانش نزدیک‌تر می‌شد. در این شرایط مرد جوان که شاهد این صحنه بود خودش را در لحظه آخر قطار با او برخورد کرد و جانش را گرفت.» این، خوزستان رخ داد و در جریان آن مرد فداکار که پدر ۳ کودک حادثه تلخی است که چند روز قبل در یکی از شهرستان‌های خوزستان رخ داد و در جریان آن مرد فداکار که پدر ۳ کودک است جانش را از دست داد. به گزارش همشهری، این جوان فداکار که فارس تیمعی نام داشت، اهل روستای خط‌الرواس شیبان در شهرستان بای و در مجاورت اهواز بود. او پدر ۲ دختر و یک پسر خردسال بود و به سختی کار می‌کرد. از مدتی قبل در میدان میوه و تره‌بار مشغول به کار شد و نان آور خانه‌اش بود. فارس را به سخت‌کوشی می‌شناختند و همه در روستا دوستش داشتند. او ساعت ۱۸:۳۵ دقیقه شنبه ۵ آبان‌ماه مثل هر روز از همسر و فرزندانش خداحافظی کرد تا به محل کارش برود. فارس در امتداد راه‌آهن در محدوده جاده اهواز - دناغله پیاده به سمت محل کارش حرکت می‌کرد که از دور یک پژو پرشیا را دید که در دست روی ریل قطار واژگون شده است. هنوز به درستی معلوم نبود که چه اتفاقی افتاده و چه بر سر سرنشینان پژو آمده، اما وقتی کمی جلورفت فهمید که ۳ نفر در پژو گرفتار شده‌اند. درست در همین لحظات بود که فارس سوت قطار را شنید و این به معنای نزدیک شدن قطار بود و اگر در آن وضعیت قطار می‌رسید لوکوموتور آن نمی‌توانست آن را متوقف کند و حتماً قطار از روی پژو و سرنشینانش رد می‌شد و جان آنها را می‌گرفت. در این شرایط بود که فارس با خود گفت باید برای نجات جان این ۳ نفر کاری انجام دهد. او فرصت را از دست نداد و با زحمت توانست در ماشین را باز کند. مرد جوان یکی یکی ۳ نفری را که داخل خودرو گرفتار بودند بیرون کشید و به حاشیه ریل، در جایی امن برد. او بعد از نجات موسومین نفر ناگهان یادش افتاد که وسایلی که همراهش بود روی ریل جا مانده است؛ بنابراین جلورفت تا آنها را بردارد، اما سرعت قطار بیشتر از فارس بود و ناگهان قطار از راه رسید و با سر او برخورد کرد. شدت این برخورد به حدی بود که مرد فداکار جانش را از دست داد.

### ۳ کودکی که یتیم شدند

فارس تیمعی، کارگر جوان در شرایطی جانش را برای نجات جان ۳ سرنشین حادثه دیده پژو پرشیا از دست داد که آن شب ۳ فرزند و همسرش تا چند ساعت بعد چشم‌انتظار برگشت او به خانه بودند. او وضعیت مالی خوبی نداشت و به سختی مخارج زندگی خانواده شرفه‌اش را تأمین می‌کرد. وقتی حادثه واژگونی خودرو روی ریل اتفاق افتاد چند نفر دیگر هم آنجا بودند که می‌توانستند آنها هم کاری کنند، اما این فارس بود که با خود گذشتگی جلورفت و جانش را برای نجات سرنشینان پژو از دست داد. حالاً اما ۳ فرزند خردسالش مانده‌اند و داغ یتیمی.

### فارس نباید گنمناخت

چند روز پس از جان باختن فارس تیمعی، در خوزستان همه درباره او و فداکاری‌اش صحبت می‌کنند. اینکه او می‌توانست چشمش را روی حادثه‌ای که اتفاق افتاده ببندد، اما غیرتش اجازه نداد تا ۳ سرنشین حادثه دیده پژو را در همان حال رها کند. چند روز قبل سیدمحمد رضا موالی‌زاده، استاندار خوزستان برای همدردی با خانواده فارس به خانه او رفت. همچنین سیدمحسن موسوی‌زاده، نماینده مردم اهواز، کارون، بای و حمیدیه در مجلس شورای اسلامی نیز به دیدار خانواده این کارگر فداکار رفت و ققدان پدر خانواده را به آنها تسلیت گفت. او در این دیدار گفت: وظیفه ما این است که نگذاریم فارس تیمعی و اقدام شجاعانه او به‌دست فراموشی سپرده شود. آنچه فارس انجام داد حکایتی در کتاب‌ها یا داستانی نقل شده از دل تاریخ نیست این اقدام عین واقعیت و الگوی شجاعت است. خانواده فارس تیمعی به شدت نگران آینده خود در شرایط اقتصادی کشور هستند، لذا نباید در این شرایط آنها را تنها نگذاریم.

**فراخوان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی**  
در اجرای عملیات تکمیل پروژه دانشکده‌کان پزشکی دانشگاه شاهد  
دانشگاه شاهد استان تهران در نظر دارد «تکمیل پروژه احداث دانشکده‌کان پزشکی دانشگاه شاهد» را از طریق واگذاری به سرمایه‌گذار بخش خصوصی به انجام برساند.  
لذا کلیه سرمایه‌گذاران متقاضی می‌توانند حداکثر ظرف مدت سه روز پس از تاریخ درج آگهی در خواست‌کتبی خود را به آدرس استان تهران، تهران، ترسیده به عوارضی تهران - قم روبروی حرم حضرت امام خمینی (ع)، دفتر معاونت پشتیبانی و مدیریت منابع ارائه نمایند.  
اداره روابط عمومی و اطلاع‌رسانی

**وداع باشهید مدافع امنیت**  
مراسم تشییع پیکر شهید امنیت استوار «امیر محمد مسمی» صبح دیروز در ستاد فرماندهی انتظامی تهران بزرگ برگزار شد. به گزارش همشهری، در این مراسم که با حضور سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی تهران بزرگ و خانواده شهید برگزار شد، همزمان شهید پیکر وی را بدرقه و با وی وداع کردند. در این مراسم سردار محمدیان درباره حادثه‌ای که منجر به شهادت این شهید شد گفت: ساعت ۴ بامداد روز جمعه از طریق مرکز فریتهای پلیس ۱۱۰ همکاران مطلع می‌شوند که یک خودروی مشکوک در یکی از کوچه‌های شهرک قدس تهران در حوزه کلانتری ۱۳۴ تردد کرده است که واحد گشت به محل اعزام شد و مأموران مطلع شدند مظنونان درحال سرقت خودرو هستند. سارقان پس از ایست دادن و شلیک هوایی، توجهی نکردند و تعقیب و گریز آغاز شد تا اینکه ۲ گلوله به لاستیک خودرو شلیک شد و زمانی که سارقان دیگر قادر به فرار